JCL
Journal of the College of Languages
Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal
http://jcolang.uobaghdad.edu.iq
Est.1994
P-ISSN: 2074-9279
E-ISSN: 2520-3517
2020, No.(42)
Pg.286-307

سبک ادبی مجموعه شعری» درغارهای پر از نرگس «علی باباچاهی

The Literary Style of Ali Baba Chahi's collected poems *In Caves full of Daffodils* .

Instructor Biyash Jabbar Zyarah (Ph.D.): dr bayish12@gmail.com
University of Baghdad, College of Languages, Department of Persian Language
(Received on 31/12/2019 - Accepted on 29/1/2020 – Published on 1/6/2020)

Abstract

Post Modern Persian poetry that is rich with visions and creations has slowly but firmly regained its statues in modern Persian literature and poetry. Ali Baba Chahi is considered one of Iran's most prominent postmodern and post-Nimaie writer and poet.

The present paper discusses the general style characteristics as well as the distinctive stylistic creations of Ali Baba Chahi as presented in his collected poems *In Caves full of Daffodils*.

In conclusion, the study crystallizes some of the stylistic characteristics of Ali Baba Chahi as a leading figure in postmodern poetry. The study, also, provides a comprehensive critical analysis of the collection of *In Caves full of Daffodils.*

Keywords: Modern Persian literature, postmodernism, post-Nimaie poetry, Ali Baba Chahi, *In Caves full of Daffodils.*

سبک ادبی مجموعه شعری» درغارهای پر از نرگس «علی باباچاهی

م .د .بایش جبار زیارة
دانشکده زبان ها - دانشگاه بغداد

چکیده:

ادبیات فارسی معاصر در گستره پهناور خویش در بردارنده سبک ها و روش و نوآوری ها و نمودهای گوناگونی است یکی از عرصه های شعر فارسی معاصر که در حدود نیم قرن پیشینه اش اندک اندک جای خویش را باز می نماید شعر پست مدرنیسم است .علی باباچاهی از سرآمدان شعر پارسی در عرصه پسا نیمایی و پست مدرن محسوب می گردد .این پژوهش بر آن است تا با مطالعه در مجموعه شعر در غارهای پر از نرگس، به ویژگی های سبکی عمومی وهمچنین نوآوری ها و خلاقیت های سبکی که باباچاهی در این اثر، پایه نهاده است دست یابد .در نتیجه این پژوهش بسیاری از اختصاصات سبکی شعر پست مدرنیستی باباچاهی با پختگی و کمال بیشتر، نمایان می گردد وافزون بر آن شناخت بیشتری در زمینه نقد و بررسی تحلیل سبک شناسانه کتاب در غارهای پر از نرگس فراهم می گردد.

کلیدواژه ها :ادبیات فارسی معاصر، پست مدرنیسم، پسانیمایی، علی باباچاهی، در غارهای پر از نرگس

پیشگفتار

ادبیات معاصر فارسی در عرصه نظم و نثر در صد سال گذشته، راه های نو و میدان های تازه ای را پشت سر گذاشته است .در این میان شعر، تحولات بسیاری را تجربه کرده است .آغاز این تحولات با نیما و تغییر ساختار در شعر کهن بوده و در ادامه در دهه 20 شاملو با گذر از شعر نیمایی شعر سپید را پایه نهاد و در آن وزن و قافیه را به عنوان عناصر اصلی شعر کهن و نیمایی به چالش کشانید .این تحولات به اینجا ختم نشد تا این که در دهه ی 40 و 50 قرن حاضر، سرایندگانی مثل هوشنگ ایرانی، احمدرضا احمدی،یدالله رویایی، جوادمجابی، و رضا براهنی و دیگر سرایندگان این دوره، عرصه پست مدرنیسم و پسانیمایی را مطرح کردند و بدین ترتیب مرحله ی نوینی در شعر معاصر فارسی آغاز گشت.

بی تردید یکی از نام آوران شعر پسانیمایی و شعر پست مدرنیسم علی باباچاهی است .این دوره جدید به خاطر نوپابودن و شاید به علت دیرآشنا بودن تاکنون کمتر مورد پژوهش و تحقیق قرار گرفته و پژوهشگران شعر پست مدرن بسیار اندک هستند .در این مقاله به دنبال آشنایی بیشتر با علی باباچاهی و مشخصات سبکی او هستیم.

مختصری از زندگی باباچاهی

علی باباچاهی در 20 آبان سال1321 ش در بندر کنگان از توابع استان بوشهرچشم به جهان گشود پدر و مادر وی از خانواده های مذهبی زمان خود به حساب می آمدند در خردسالی به روستای جلالی در منطقه ای که اکنون یکی از محله های بوشهر محسوب می گردد منتقل شد درهفت سالگی، تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فروغی بسطامی جفره در بوشهر آغاز کرد و دوره دوم دبستان را در مدرسه اخوت بوشهر گذرانید دوره متوسطه اول را در مدرسه پهلوی بوشهر پشت سر گذاشت در همین مدرسه بود که شاعر بزرگ ادبیات معاصر زنده یاد منوچهر آتشی به عنوان معلم ادبیات فارسی باباچاهی بر وی تأثیرات بسیار ماندگاری گذارد و سرانجام دوره دوم دبیرستان را در مدرسه سعادت در بوشهر به اتمام رسانید .در دوره دبیرستان یکی از شاعران بوشهری به نام محمدرضا نعمتی که معلم او بود توانست در مسیر پرفراز و نشیب شاعری باباچاهی، یاریگر او باشد

در سال1340 ش، رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز آغاز کرد و پس از فراغت از تحصیل به کسوت معلمی زبان و ادبیات فارسی در آموزش و پرورش بوشهر در آمد .باباچاهی در سال 1362 ش از شغل معلمی بازنشسته شد

باباچاهی از دهه1340 شمسی با سفرهای کوتاه به تهران مجال این را یافت به حضور در پاتوق کافه فیروز تهران با بزرگان عرصه ادبیات معاصر همچون جلال آل احمد، سیروز طاهباز، نصرت رحمانی، رضا براهنی، عظیم خلیلی، سیروس مشفقی و غیره اندک اندک خود را در در

جمع آنان شناسانده و بعدها مجال ارتباط و تأثیر پذیری و حضور فعال در عرصه ادبیات معاصر را تجربه کند

فعالیت شعری باباچاهی در مدرسه و با راهنمایی های منوچهر آتشی و محمدرضا نعمتی آغاز شد و نخستین مجموعه شعر خویش را در دهه 40 با عنوان» در بی تکیه گاهی «به چاپ رسانید حضور باباچاهی در ادبیات معاصر در زمینه شعر و نقد ادبی و شعر کودکان و نوجوانان با آثار بسیار گسترده ای همراه است .آثار باباچاهی در زمینه شعر و نقد آن و گفتگو ها و مصاحبه های وی در نشریات بسیار فراوان است و با توجه به محدودیت مجال در این پژوهش، امکان ذکر تمامی آثار وی وجود ندارد .و تنها به یکی از مجموعه های شعر ایشان با عنوان» در غارهای پر از نرگس « که در چاپ نخست در سال 1392 از سوی انتشارات نگاه منتشر شد مورد توجه قرار گرفته است.

سبک کلی شعری باباچاهی

در بررسی شعر باباچاهی باید سه کلیدواژه را موردتوجه قرار دهیم و از راه بررسی معانی این سه اصطلاح مهم است که می توانیم به سبک کلی شعر باباچاهی دست یابیم .نخستین واژه ای که در کنار شعر باباچاهی به چشم می خورد واژۀ» پسانیمایی «است یعنی این که باباچاهی از گروه شاعرانی است که شعر نیمایی را پشت سر گذاشته و شعری بنانهاده است که دیگر به بسیاری از مؤلفه های شعر نیمایی پای بند نیست .و تحولی از شعر نیمایی به سوی شعر سپید به حساب می آید .

واژه ای دیگر که شناسانندۀ سبک شعری باباچاهی است» شعر در وضعیتی دیگر «است .شاعران این دوره، برای جداشدن از سایه شعر نیمایی و اعلام هویت جدید در عرصه شعر نو، بر خود لازم دیدند که عنوانی را برگزینند که دیگرگونه بودن از شعرنیمایی را در برداشته باشد .باباچاهی خود از کسانی بود که اصول مکتب پسا نیمایی را با» شعارهایی چون چندصدایی، معناگریزی، هنجار گریزی، عدم قطعیت، ساختارشکنی، گریز از دایره عقل را با اصطلاح شعر در وضعیت دیگر مطرح کرد.«

» پست مدرنیسم «عنوان دیگری است که بر شعر باباچاهی نهاده شد . پست مدرنیسم بر پایه اصولی بنا گردیده که یک از استوار ترین آنها تردید در تمامی جزمیت ها و قطعیت های پنداشته انسان است و شاید بیش از همه این ویژگی و این اصل پست مدرنیسم در ادبیات و شعر جلوه و ظهور می یابد و کارکرد بسیار اساسی دارد . اصولا سه عنصر مهم یعنی طنز، زبان و معنا در شعر پست مدرن مورد توجه قرار می گیرد .و در این مقاله این سه عنصر در مجموعه در غارهای پر از نرگس مورد توجه و بررسی قرار می گیرد.

3.1 تعریف زیبایی در آثار پست مدرن

از نکات مهم در پست مدرنیسم تغییر مفهوم زیبایی است و همین باعث می شود نگاه جدیدی به هنر ایجاد گردد» هیچ عصری با زیباییهای دوران گذشته کاملاً ارضا نمی شود بلکه چیزهای تازه ای پدید می آورد که بامقیاس های ذوق زمانه می خواند و با آن سنت ها زیبایی شناسیکی که به ارث

برده کاملا متفاوت است .آن عصری که کمتر می تواند با زیبایی های گذشته بسازد و آن چه را که به چشم خودش زیباست بسیار متفاوت و انقلابی و سرکش می افریند چنین عصری همان است که بیشتر دارای زیبایی جلوه می کند«

3.2 طنز در مکتب پست مدرنیسم و در آثار باباچاهی

از اصول مهم مکتب پست مدرنیسم طنز است که سهم بسزایی در ایجاد فضایی جدید در هنر وشعر دارد .پست مدرنیسم برای تثبیت عدم جزمیت و گشودن مسیرهای تازه برای معانی جدید در هنر و شعر طنز را به عنوان یک اصل مهم در مورد توجه قرار داده است .از سوی دیگر برای پرهیز از خشونت و تعصب طنز راهکاری اصلی به حساب می آید میخاییل باختین در این باره می گوید » لحن جدی وضعیت های چاره ناپذیر را دشوارتر می سازد، خنده بر فراز آن ها قرار می گیرد . خنده راه انسان را سد نمی کند، آدمی را آزاد می سازد «

3.3 طنز و گروتسک در غارهای پر از نرگس

گاه به سیاقِ ویژگی تماتیک و پربسامدِ شعر باباچاهی در این سال ها طنز و گروتسک روی می نماید.اما طنز در شعر باباچاهی در وجوهی دیگر نیز ظاهر می گردد .ازجمله مهم ترین نوع کاربرد طنز در شعر او کاربرد گروتسکی آن است که در شعر و هنر امروز به طور کلی مورد توجه خاص است .چه این گونه به کاربردن طنز در پوششی آکنده از خنده، واقعیات تکان دهنده را بازگو می کند.

دیگر با گروتسک سازی زبان در شکل غنی و متعارفش طرف نیستیم .گروتسکی نامرسوم که البته با اجداد خودش در مجموعه های دیگر شاعر، سرِ ناسازگاری دارد .اینجا گروتسک درصددِ»چیز«ی نیست، بل میل به نا»چیز «دارد .به تِته پته می افتد خنده .قهقهه گلوگیر می شود . به صداهایی ناموزون و گوشخراش می رسد .و نهایتا در کشاکش این تکرار به وزوز می افتد خنده : »عروسی مادر بود /پدر /اطلس نبود /آدم بود /از نزدیک /وَ از دور /چقَدَر /فَقَدر /چه قَدَر /فَقَدر / چه قَدَر«(ص۱۰۶) .

3.4 طنز وخیال پی رنگ وموتیف در غارهای پر از نرگس

پی رنگ و موتیف در این مجموعه را می توان طنز و خیال دانست طنزی خاص که شاعر از دل دانسته های واقعی مخاطبین بیرون کشیده است و نگاهی غیر حتمی و تکثری را به خواننده ارایه می دهد.

علی باباچاهی نه تنها از روی گزاره‌های تئوریک رونویسی نکرده بلکه توانسته آن گزاره‌ها را نیز بومی کند .در پایان این یادداشت باید یادآوری کنم که به عقیده نگارنده، کتاب »نمنمِ بارانم «توانست مسیر عاشقانه‌سرایی را در شعر ایران عوض کند و پیشنهادات تازه‌ای به روی میز شعر فارسی بگذارد .

3.5 تقلیل امور جدی و سهمناک به جایگاه خنده و طنز

گرچه طنز و خنده در صورتی کلّی در شعر باباچاهی زیر یک عنوان قرار می گیرند، اما می توان برای آن ها تفاوت هایی نیز قائل شد .نمونه و پاره های یاد شده، یک نوع طنز را در شعر وی نشان می دهد .یک نوع مهم و دیگرگونه ی طنز نیز در تعریف " کانتی " خود در شعر باباچاهی نمایان می شود که بسیار حائز اهمیت است .امانوئل کانت می گوید » :خنده عبارت است از تأثیری که از یک انتظار بیش از حد و ساختگی که ناگهان به هیچ تقلیل یافته نشأت گرفته است «.

باختین نیز همین مطلب را چنین می گوید که برای پرهیز از ترس و وحشت و سهمناک بودن پدیده ها چاره ای جز روی آوردن به طنز و خنده است به بیان باختین» هر آن چه به راستی عظیم است باید عنصری از خنده در بر داشته باشد وگرنه تهدیدآمیز، ترسناک یا پرتکلف و درهر حال، محدود می شود «.

زبان در مکتب پست مدرنیسم

زبان در مکتب پست مدرنیسم از آن جهت مهم است که اصلی ترین عامل تحول و دگرگونی در شعر زبان است .و زبان با قابلیت های خویش می تواند زمینه گشایش افق های جدیدرا باز کند » نشانمان می دهند که چگونه به چیزی فکر کنیم که زبانمان پیشتر آن ها را پیشنهاد نکرده، و وادارمان می کنند به مقولاتی که بنا به عادت در قالب آن ها به جهان نمی نگریم دقّت کنیم «.

وابسته مهم در زبان و پست مدرنیسم نظریه ویتگنشتاین در خصوص» بازی های زبانی «است ویتگنشتاین براین عقیده استوار بود که مسائل حل نشده ی فلسفی حاصل تفکرات و استدلالات گمراه کننده از زبان و کارکردهای آن است .

بر خلاف یک نگاه سنتی که زبان را یک هویت ثابت و قابل تسری به تمامی گویندگان و کاربران آن می داند نگرش های مدرن زبان را یک ساختار گفتمانی متکثر می داند که کاربران با انتخاب هریک از گفتمان ها می توانند به نتایج خاصی از ارتباط برسندیکی از فیلسوفانی که در این عرصه بسیار فعال ظاهر شد هایدگر بود .او زبان را نشان وجود می داند و می گوید » :زبان نزدیکترین همسایه ی بودن انسان است «.

4.1 نظریه بازی زبانی ویتگنشتاین

»او زبان را همچون کنش های اجتماعی تلقی می کند که هر کدام از کاربردهایش بر غرض و مقصودی خاص دلالت می کند وی هریک از این کارکردهای خاص را یک بازی زبانی می شمارد بر این اساس درک متداول از معنای واژه ها، کارکرد زبان را در مهی احاطیه می کند که فهم درست آن، ناممکن می شود اما فهم کاربردی و توجه به عمل زبان این مه را کنار زده که در این صورت می توان از کاربرد و غرض واژه ها فهم و درک روشن و صحیحی داشت تأکید بازی زبان مانند بازی شطرنج بر وجه عمل استوار اسن نه صرفاً تأملات انتزاعی و مناقشات محض ذهنی)پورحسن،1385، ص (140

شعر زبان محور با رویکردی این چنین، فرم ها و ساختار شعر کلاسیک و نیمایی را در هم می شکند و مرز قراردادی میان شعر و نثر را از بین می برد

بازی های زبانی یعنی این که هر شعر بازی خاص خود را دارد در خود قواعدی می گذارد و ان را رعایت می کند و این قواعد را به اجرا در می اورد این قراردادها تنها در دل همان متن بسته می شوند و باهمان پیش ومی روند«

منظور از بازی زبانی این نیست که از شعر معنا زدایی شود بلکه این است که تکثر معناها در شعر مطرح می شود و این که دیگر شعر یک معنای جزمی قطعی ندارد هر شعری دارای قواعدی است که با دریافت آن قواعد خواننده به لذت درک آن بازی زبانی می رسد.

4.2 استفاده از زبان برای رسیدن به طنین موسیقی

باباچاهی در مجموعه در غارهای پر از نرگس از تمامی توانایی ها و امکانات زبان بهره می گیرد تا بتواند موسیقی و طنین و آهنگ را در شعر ایجاد کند .در شعر زیر کنار هم قرار گرفتن واژه های نور و نورانی /برق و برقی /مشتاقی و ساقی /صوت خوش و صورت خوش /خاطره خیز و شکر انگیز به گونه ای استفاده شده است که حداقل هجاهای پایانی دو به دو کلمات با هم یکی است و این پدیده در شعر یک طنین و موسقی خاصی ایجاد می کند :

»صورت را نور نورانی می کند دندان را برق برقی
چشم را نافذی
چراغ جادو /خیر!
پیش زمینه ی مشتاقی است !
ساقی است؟ نه!
تأثیر گذار است و خاطره خیز
صوتِ خوش است؟ خیر!
با نمک است و شکر انگیز
صورت خوش؟ ممکن است!
ولی نه !نه)«!در غارهای پر از نرگس، ص(53

4.3 بازی با کلمات و حروف کارکردهای متفاوت زبان

نمونه ای از بازی های زبانی آوردن کلماتی که ارتباط آوایی و صوتی با یکدیگر دارد البته نوعی از این ارتباط می تواند ارتباط صرفی از نوع اشتقاق باشد در سروده زیر، بین حَسن و حُسن علاوه بر این که هماهنگی و همانندی آوایی چنان است که می تواند از نوع آرایه جناس محسوب گردد:

گاو حسن حُسن های دیگری هم دارد/به قناری ها شیر می دهد/ به پروانه ها-
سواری(در غارهای پر از نرگس، ص(49

4.4 واج آرایی

واج آرایی عنصر بسیار مهم در موسیقی درونی شعر در ادوار گوناگون بوده است .شاعر افزون بر وزن و آهنگ و قافیه با کنار هم چیدن واج های هماهنگ، در در درون واژگان نیز آهنگ و موسیقی می آفریند .به نمونه های زیر می توان اشاره کرد:

تکرار صامت» ر«،» ن «،» ج «در فراز زیر بسیار زیباست:

از کمبود ترنج / رنج نمیبرد/درختی که من میشناسم)/ ص(24

رسیده به دریا / زار زار / کج میکند به کویر و نمکزار / مرد متناقض) /ص(36

به موازات خروس آبی قوقولی قوقوکرد) /ص(109

4.5 تکرار واژگان در یک شعر و کاربرد واژه در عبارت های جدید

یکی از تکنیک های زبانی که در غارهای پر از نرگس به خوبی می تواند به عنوان یک مشخصه سبکی شاعر قلمداد گردد تکرار کلمات و اصطلاحات است .در سروده» فکرهایِ در اغما « باباچاهی در 20 سطر شعری واژه» بزرگ «را 23 با به کار می برد شاید این بسامد بالای واژه به خاطر کاربرد در کنار واژگان دیگر گویی مفهوم تازه ای در هریک از کاربردها داده است و این عامل مهمی است که شعر را دچار آسیب نکرده است . برای نمونه بخشی از این شعر را اینجا می آوریم:

»جریان دارد چیزی در قفل های بزرد در لوله های بزرگ

در گوش های بزرگ و در دیوار بزرگ

سگ های نامرئی های پشت سر سایه های بزرگ

قاتل هایِ بزرگِ متولد نشده های خون آشام

بعداً بزرگ

بزرگِ بعداً چیست کوچک بعداً چیست متوسط بعدا

زن خندان پرسید

حمام های بزرگ و رگ های متورم شده های ـــــ

و میرغضب های بزرگ

از خواب های بزرگ و تعبیرهای بزرگ) «.....در غارهای پر از نرگس ، ص(12

4.6 عصیان زبان در غارهای پر از نرگس

در این کتاب عصیان زبان، تنها امری است که سایه بر تمام آثار مجموعه انداخته است و شاید به همین علت است که شعرها از یکدستی و نوعی ویژگی اشتراکی که منجر به تشکیل یک خاصیت

ساختاری مشخص میشود، عاری است .نوع برخورد با زبان بهطرزی جنون وار خارج از حیطه ی آگاهی است .بنابراین به نظر نمیرسد هیچ تعاملی مابین« خویش »تصمیم گیرنده ی شاعر با متنها صورت پذیرفته باشد که بتوان دورنمایی وابسته به شاخصه های منطق برای آن متصور شد نمونة این عصیان های زبانی را شکستهای پی درپی در نحو و لفظ، به چشم میخورد:.

»با آهوی کور و آدم کور و حشراتی که رو ِ لب و دندان جسدی ناشناخته /حشراتیانده «(ص80)

4.7محاوره در شعر

»اجرای تازه از لحن گفتاری، آشنایی زدایی از وجوه شعری که گفترای یا محاوره ای نامیده می شد با این توضیح که گزاره ها گرانیگاه سخن وتکیه کلام هی محاوره ای در بازنویسی ساختار تازه ای می یابند«

»گربه ی اول صبح خوش خط و خال بود؟ یا نبود؟

بود!

رقّتِ در احوال داشت وَ دقّت در اطراف؟

داشت!

چه کنم را ول کرد؟ کرد؟

به دندان گرفت فسقلی هایش را؟ گرفت!

وا کردند مژه از مژه چشم از چشم؟

نه فسقلی ها نمی کنند نکردند؟ نه!

-چشم برای ندیدن می خواهیم می خواهیم که-

کاری باید کرد !دکتر گفت:

تخت و رخت و قیچی و عمل از ما

دعا از شما) «!در غارهای پر نرگس ص(19

در فراز بالا آمیختگی عناصر محاورة زبانی در شعر با نوشتار فاخر ادبی همراه داشته است . کاربرد اصطلاح» ول کرد «با جای» رها کرد «کاربرد واژة عامیانة» فسقلی «به جای کوچک و کاربرد عبارت فعلی» وا کرد «به جای» باز کرد «کاربرد واژه های محاوره را در زبان رسمی به خوبی نشان می دهد.

افزون بر این محاوره زبانی در این شعر کاربرد امثال رایج در زبان محاوره نیز در این شعر در به کار گرفته شده است.

در سطرهای نخستین فراز مثل رایج مثل گربه بچه ها را به دندان گرفته و از جایی به جایی می برد.

4.8 نقش آفرینی زبان در شعر

یکی از نکات مهم در نظریه پردازی های امروز ادبی در خصوص این است که زبان چه نقشی در شعر ایفا می کند باختین سرآمد کسانی است که به ارتباط ویژه و خاص شعر و زبان در قلمرو فرهنگ معتقد است از این منظر زبان توانایی ها و تنها می تواند در شعر آشکار کند .

4.9 شعر کانکریت

سروده های کانکریت نوعی از شعر است در مرحله نخست و پیش از هرچیز بر یک شکل نقاشی و چینش های گرافیک مبتنی است و از آنجا که شعر در وضعیت دیگر بر اساس تکثر در معنا شکل می گیرد لذا این گونه شعر می تواند در شعر شعرای پست مدرن و پسا پست مدرن مورد توجه قرار گیرد .چرا که هرکس با دیدن این شکل نقاشی از شعر برداشتی ویژه برای خویشتن می نماید به عنون نمونه در سروده زیر می بینیم که در سطر اول، جدایی و دور افتادگی در بین اجزای واژه فاصله کم است اما هرچه به سطرهای بعدی می رسیم این جدایی و دور افتادگی بیشتر می شود این مقوله، می تواند ناظر بر این معنا باشد که دوری ها و جدایی ها که در ابتدا اندک هستند در گذر زمان به فرسنگ ها مسافت می انجامند .یا این که می توانیم این تصویر را ناظر بر این معنا بدانیم که جدایی و دور افتادگی در بین اجزای کلمه» فاصله «در حرف» ل «و در حرف» ـه «اگر چه گونه به گونه تغییر شکل می دهد و بیشتر و بیشتر می گردد اما در حقیقت این جدایی، چیز قابل توجهی نیست و به عبارت دیگر این سوء تفاهم ها و پندارهاست که باعث جدایی و دوری اجزای یک جامعه می گردد .البته هرکس می تواند با دیدن این شکل از شعر، معنایی خاص خود برداشت نماید :

در شعر باباچاهی:

فاصلـــــــه
فاصلـــــــــــه
فاصلـــــــــــــــه
فاصلـــــــــــــــــــه
فاصلـــــــــــــــــــــــه
فاصلـــــــــــــــــــــــــــه
فاصلـــــــــــــــــــــــــــــــه
فاصلـــــــــــــــــــــــــــــــــــه
فاصلـــــــــــــــــــــــــــــــــــــــه
فاصلـــه

(در غارهای پر از نرگس، ص90)

4.10آشنایی زدایی صرفی و نحوی

نوعی از آشنایی زدایی که در محدوده ساختار واژگانی و شکل صرفی در شعر باباچاهی اتفاق می افتد در مجموعه شعر غارهای پر از نرگس هم دیده می شود به عنوان مثال کاربرد شکل صرفی »می فشفشد «در شعر زیر به هم ریختن ساختار آشنا در نحو جمله و آوردن ساختی تازه است:

»معصومیت این رقص را

آبشاری تشخیص می دهد که در زیر زمین خانه ی متروکی

اندام های قطعه قطعه شده را می فشفشد و

ندانسته برقص) «!درغارهای پر از نرگس ص(63

همین عملکرد در در کاربرد شکل صرفی» مردانیده شده بود «قابل مشاهده است از سوی دیگر در همین قطعه سروده آشنایی زدایی نحوی در عبارت» از در دیگرهای بزرگ «دیده می شود واژه »دیگر «به عنوان یک صفت مبهم در جمله هیچگاه به تنهایی به کار نمی رود برای کاربرد این کلمه به صورت» ضمیر مبهم «لازم است که به صورت» دیگری «به کار رود در شعر زیر باباچاهی دیگر را را در یک کاربرد آشنایی زدایانه در ساختار نحوی جمله به تنهایی به کاربرده است یعنی صفت مبهم بدون موصوف به کار رفته است به عنوان مثال »دیگر انسان ها» «دیگر آدم ها «و غیره در حالی که شاعر، ساختار نحوی جمله را تغییر داده است و دیگر را به تنهایی به کار برده و برای تثبیت این آشنایی زدایی واژه» دیگر «را با علامت جمع نیز همراه کرده است:

»از خواب های بزرگ از تعبیرهای بزرگ که ترسید و پرید

از در دیگرهای بزرگ فرار کرد پزشک بزرگ فرار بزرگ

بیمار کم جثه بود بزرگ بود نمرده بود مردانیده شده بود) «ص(12

4.11 لکنت واختلال در زبان

یکی از نگرش های پست مدرن به زبان تغییر فرم و شکل زبان به گونه ای است که با فرم و شکل متداول تفاوت پیدا می کند» نمی پرسیم یک نوشته چه معنایی دارد؟ حامل چه ایده ای است؟ چه سوژه ای در پس اش دارد؟ بلکه می گوییم این نوشته به کجا وصل است؟ چه فرآیندهایی دارد؟ تا کجا کار می کند؟ به چه نواحی مجاورتی و تمیزناپذیری واردی می شود؟ چه مرزهایی را مخدوش می کند .«در سروده ی زیر باباچاهی هنگامی کاربرد واژه» دارد «از این اختلال و لکنت زبانی استفاده کرده است و کاربرد واژه» دا دا دارد «نشانه این اختلال و لکنت است:

انار انجیری تبعیدی تیمارستانی

اسم گنبد دوار را هم گذاشتیم دایره

مرکزهای ناپیدایی دارد

حفره های سرپوشیده ای دارد

دارد که وصل می شود به اصل و نسب یک دیوانه

که دارد هی

دا دا دا دارد دارد می کند) در غارهای پر از نرگس ص(94

معنا و شعر پست مدرنیسم

5.1 معنا و پردازش آن در غارهای پر از نرگس

مقوله دیگر در آثار پس مدرن معنا وپردازش آن در آثار پس مدرن است از ویژگی های این پردازش عدم جزمیت وقطعیت در رابطه لفظ و معنا و توجه به مخاطب و مخاطب محوری در پردازش معناست به عبارت دیگر هر خواننده خود در پردازش معنا دخیل و موثر است» :هر خواننده ای ازطریق کنارگذاشتن احتمالات ممکن، به شیوه ی خودش شکاف ها و فاصله های موجود در متن را پر خواهد کرد .«بدین ترتیب خوانش متن و ارتباط لفظ و معنا نزد هر خواننده ای کاملا متفاوت است و پردازش معنا یک عمل کاملا شخصی تلقی خواهد شد .

مکاشفه تونل می‌زد به عصب چشم‌ها به حیرت در اطراف

به شاهرگی که نمی‌داند با خون کند گذر چه کند

کارد بکارد /تیغ ببارند که جوی کوچکی راه بیفتد

به راه؟

5.2 افشانش معنا و معناپراکنی در شعر باباحاجی

خواننده شعر در مواجهه با مجموعه شعر در غارهای پر از نرگس با نبودن یک بستگی معنا و محوریت عمودی و همبستگی ارگانیک مواجه می شود گویی اجزای شعر بدون هیچ تناسبی به سختی در کنار هم قرار گرفته اند چنان به نظر می آید که» انبوهی از گزاره ها و آواهای منفرد در جای جای متن بی هیچ زمینه چینی و تمهیدی حاضر می شوند از این منظر با قطعه هایی از هم گسسته ای مواجه ایم که ظاهراً هر قطعه ی خودمختار ساز خودش را می زند و پیوندی با آواها و گزاره های دیگر شعر ندارد «

پس چه چیزی باعث شده است که این همجواری واژگان با مفاهیم جدا و گسسته از هم به وقوع بپیوندد اینجاست که عنصر زبان و پیوستگی های آوایی و ارتباطات زبان نقش بسزایی می یابند شعری را می بینیم» که از تکه چسبانی چند روایت صورت می بندد روایت هایی که لزوماً در امتداد هم قرار ندارند و صبغه ی زبانی آن ها را کنار هم می نشاند از این روایت ضمنی مورد ا شاره در پس زمینه شعر قرار می گیرد و در لابه لای اجرای زبانی رنگ می بازد «برای نمونه شعر اناری ها از در غارهای پر از نرگس نوشته می شود:

الف-

جهان اگر آدم نداشت با انارها دوست می شدم

تعقیب و گریز معمولا ازهفت شب شروع می شود

ب-

بی حرکت

پ-

اسلحه ی گرم شب را نورانی تر کرد!

الف -

روز بعد بند به بند تاباندم چراغ و چشم هایم را!

ث-

این آدم باقی ماندة روی زمین اما

بقیه عمرش باد در انحصار انارها باشد نکند هیچ استخوان

تف نکند هیچ

الف-

آدمیتم تمام شده!

آدم منقرض شده اول انار می شود وبعد آب بعد---

ج-

و آب سراسر عالم را فراگرفت

انار سراسر عالم را فراگرفت) در غارهای پر از نرگس(107 :

آنچه در سرودة فوق باید به دقت مورد توجه قرار گیرد عنصر روایت در شعر است .در شعر فوق یک روایت و یک راوی وجود ندارد بلکه هریک از اجزای الف و ب و پ و ث و ج هریک گویی یک طرف یک گفتگو هستند که بدون حضور راوی واحد در جای خود ایفای نقش می کنند و شعر را تبدیل به یک سروده چند روایتی می کنند .در این شعر اثری از راوی محوری وجود ندارد

5.3 بینامتنیّت

نظریه بینامتنیت بر این اصل استوار است که هیچ اثر ادبی در دنیای ادبیات و نوشتار و نویسندگی بدون توجه با آثار پیش از خود و بدون ارتباط با کتابهای پیشینیان خلق نمی شود و هر مفهوم ومحتوا و پیامی در یک حیات جدید و در یک شکل و چهره جدید در آثار جدید دوباره پا به عرصه

ظهور می گذارد» متون همگی بطور بالقو ه متکثّر، بازگشت پذیر، در معرض پیش پنداشت های خاص خواننده، فاقد مرزهای روشن و تعریف شده و همواره درگیر بیان یا سرکوب آواهای مکالمه ای موجود در جامعه اند «1380

در سروده زیر باباچاهی در یک رویکرد به ادبیات گذشته، یکی از مضامین شعری در سعدی شاعر بزرگ ادب فارسی در قرن 7 را مورد توجه قرار داده و به آن اشاره کرده است .یکی از مضامین شعری پرکاربرد در کلیات سعدی، ظلم ستیزی و مبارزه با ظلم شاهان است و این اندیشه و دکترین سعدی، در جای جای آثار وی قابل مشاهده است .اما برای رعایت اختصار یکی از این موارد را که اتفاقاً مورد توجه باباچاهی در سروده ی زیر نیز قرارگرفته به تفصیل بیان می گردد .

شیخ مصلح الدین سعدی در حکایتی در گلستان از اندر مزمّت ظلم و ستم شاهان چنین می آورد :

»روزی یکی از پادشاهان درویشی را پرسید از عبادتها کدام فاضل تر؟ گفت تو را خواب نیمروز تا در آن یک نفس خلق را نیازاری!

ظالمی را خفته دیدم نیمروز گفتم این فتنه است خوابش برده به

وان که خوابش بهتر از بیداری است اینچنین بد زندگانی مرده به«

در سروده زیر از باباچاهی عبارت شعری» ملک جوان بختی که خوابش برده به «باز نگارش همان مضمون است که در سروده باباچاهی خود را نشان می دهد

»شهردار هی انار تعارف کرد

برداشتم شکاف برداشت هی بیرون پرید

وزیر نبود و امیر شهرزاد بود

هزار شب و یک شب بود

برگشته بود از کنارتخت ملک جوانبختی که

خوابش برده به) «در غارهای پر از نرگس، ص(94

و به همین صورت می توانیم واژه شاهد شیرازی را در سروده زیر مورد توجه قرار دهیم

رازها گوشه ی دنجی گیر آورده بودند

شاهد شیرازی گفت قسم خورد و گفت

در گوش اسب خودم گفت شنیدم که گفت

و رازها گوشه ی دنجی گیر آورده بودند) در غارهای پر از نرگس(26 :

و مورد دیگر در سروده زیر است:

»ابن عربی ابن الوقت بود وقت گیر آورده بود

گفت

در چشم های تو کفار نیز به طواف بیت خدا

می روند

عیناً گفت

با پدرت که به سخن رانی فیلسوف عرب رفتی

زانو زدم به زمین :چشمه فوران التماس تضرع) «!در غارهای پر از نرگس ص(16

5.4 چیره گشتن نگرش عرفانی در شعر باباچاهی

منظور از این ویژگی این است که باباچاهی در مجموعه غارهای پر از نرگس همچون بسیاری از آثار متأخرش، از سطحی نگری ها و پندارهای قشری عبور کرده که ره آورد این گذر رسیدن به جهان نگری و خودشناسی است و نتیجه آن کشف لایه های جدید تفکر و اندیشه است .از نشانه های این فضای جدید در اندیشهٔ باباچاهی، نگاه بی طرفانه به رخدادهای گوناگون است و رها شدن از جزمیت تعصب وقطعیت است

بی طرفانه از واقعیت‌ها و رویدادها باید تعبیر کرد اما منظورم از بی طرفی این نیست که با حقیقت و یا حقایقی از جهان روبه‌رو نیستیم و نباید از آن‌ها دفاع کنیم بلکه منظورم پرهیز و فاصله گرفتن از نوعی جزمیت و تعصب است .

به این ترتیب شاعری را می بینیم که تفکر و نگرش او همسان و هم سطح جامعه نیست و از این منظر با فاصله گرفتن از نگاه سطحی و معمول جامعه سعی بر ارتقا فهم و نگرش مخاطب دارد و از این جهت شاعر جدید با شاعران مؤلف ادبیات کلاسیک شبیه است .نمونه زیر قابل تأمل است:

»جنگ جنگ است چه در شاهنامه

چه میدان نبرد

گرد آفریدی می کرد ملخی که تاج هدهدِ منطق الطیر

به سر داشت)«در غارهای پر از نرگس) ص(59

5.5 نبودن معنای مشخص در اشعار غارهای پر از نرگس

شاعر این کتاب ماه گذشته و در جریان شعرخوانی و معرفی« در غارهای پر از نرگس »در انجمن ادبی« آفاق »صراحتًا از اِبراز این مطلب که ایجاد احساس تحیر و شگفتی مخاطب نسبت به تأویل پذیری محتوایی متون از اهمیت بالاتری برخوردار بوده است، ابایی به خود راه نداد .او در این جلسه که نگارنده ی این سطور نیز حضور داشت و در حین قرائت شعرهایی از مجموعه ی مورد بحث، این مهم را آشکارا اذعان کرد که« :هیچکدام از شعرهای این کتاب دارای معنای مشخصی نیست و مخاطب نمیتواند و نباید به دنبال زمزمه پذیری و برداشت تأویلی از تجربه های این کتاب باشد،

5.6 شعر جنگ در غارهای پر از نرگس

از نکات مهم در سبک شناسی معنایی مجموعه شعر در غارهای پر از نرگس سایه جنگ و حضور مداوم ایماژه و تصوریرها و اصطلاحات مرتبط با حو.زه جنگ در این کتاب است ابتدا باید اشاره کنیم که شاعر در این مجموعه شعر، دو سروده را به طور مستقیم با عنوان مرتبط با جنگ انتخاب می کند یکی سروده» جنگ به سابقه «در ص 58کتاب و دیگری باعنوان» پایان جنگ جهانی «در ص 70 و از سوی دیگر در جای جای این مجموعه نیز ضمن سروده های دیگر به جنگ توجه شده است .کاربرد اصطلاحات جنگی در سروده ی زیر مشاهده می کنیم به طوری که شاعر سعی کرده است با کنار هم قرار دادن واژه های جنگ، پوتین، فشنگ، شیپور، زره پوش، دشمن، قمقمه، اسلحه و غنائم جنگی، یک شبکه ی معنایی هدف مندی را در درون ذهن مخاطب ایجاد نماید:

»تشریفات تدارکات

به دیدار ملکه ی زنبوها رفت شاعر چینی

لشکرها از جنگ آمده بودند پوتین ها راگذاشته بودند در قفسه

لوله ها فشنگی ها می کرده اند صدآفرینی ها

دشمن دشمن است چه زنبور چه گل شیپوری

شیپور زره پوش نیست از خواب بیدار می کند اما

دشمن جرارّ را

صبحانه بخورید قمقمه بردارید یادتان نرود اسلحه

غنائم جنگی باید چشم های رنگی داشته باشند

کنیزکی کنندافتار بردارند و لگن

تعظیم تکریم!

بعد بشویند دست و پای ملکه مورچه ها را

ملکه زنبورها را) «در غارهای پر از نرگس ص(58

در شعر زیر بدون این که عنوان و فحوای شعر با جنگ مرتبط باشد از وقایع و اتفاقات و از مناطقی که با جنگ مرتبط است سخن به میان می آورد .بی شک» حلبچه «یاد آور آسیب دیدن مردم از یک رویداد جنگی است و اصطلاح» پلاک «و» پلاک های دیگری که در راه است «بیانگر یکی از عملکردها و قوانین جنگ است .به هر سرباز در هر جنگی، یک قطعه فلزی با آلیاژ مقاومت بالا در برابر انفجار داده می شد که اگر یک سربازی به هر علتی از بین رفت، این قطعه فلز بتواند موجبات شناسایی او را فراهم آورد:

»یکی یکی درها را پنجره ها را یکی یکی

بستن

دست وصورت را شستن در ظلمات

گندمگونی پوست به کنار رنگی شدن:

رقصیدن زنگباری دندان هایت را به کرم شبتاب

تحویل داد

با صورت جدیدو استخوان بندی جدید

به خانه که رسیدم

بر تو مسجل شد که از حلبچه

پلاک های دیگری در راه است

صورتم از تو برگشته بود نه از جنگ)در غارهای پر از نرگس، ص(50
در سروده ای دیگر نیز باز جنگ و اصطلاح جنگی و غنائم جنگی که مورد توجه باباچاهی قرار گرفته است:

گفت عجبک

چه عجایب خیلی عجیبی

عجیب باید عجیب باشد و خون از بینی اش

جاری نشود

از غنائم جنگی باشد بهتر است

جنگی که هنوز در نگرفته وَ هیچوقت) در غارهای پر از نرگس، ص(45

5.7ضرب المثل در غارهای پر از نرگس
یک از وجوه شعر که در ذهن خواننده ا یجاد قرابت معنایی می نماید کاربرد ضرب المثل ها در شعر است .باباچاهی از این مقوله در شعر بهره برده است .درنمونه زیر ضرب المثل مشهوری آورده شده است» :کوه به کوه نمی رسد ولی آدم به آدم می رسد «مفهوم این ضرب المثل این است که اگر چه کوه به کوه نمی رسد ولی انسان ها علی غم فاصله ها و مسافت های زیاد اما بالاخره روزی در کنار هم قرار می گیرند باباچاهی این مفهوم را در شعر به زیبایی هر چه تمام تر به کار گرفته است .در گودال جمجمه ها این قانون نانوشته هستی به وقوع پیوسته است یعنی آدم ها بالاخره به هم رسیده اند البته عنصر طنز نیز در این سروده زیبایی را کامل کرده است :
کوه به کوه رسیده و آدم به پشت کوه
در گودالی جمع شده بودند جمجمهها
پشت کوه) درغارهای پر از نرگس ص .(134
5.8یادکرد مضامین و پیام های شعر کهن
باباچاهی در جای جای سروده های خویش در غارهای پر از نرگس هر جا مجال می یابد مضامین شیرین شعر پارسی را به یاد آورده و بوی خوش ادبیات کهن را به مجال خوانندگان می رساند برای نمونه به شعر زیر می پردازیم:
»گفت:
مترسکی که خودش را آتش بزند
یا با پوکی استخوان کنار نیامده
یا جدی نگرفته نفسی را فرو می دهد و بر نمی آید را

ای برانگیزان غبار
جارو باید مجرب و خوش اندام باشد که هست
جام لطیف باید به زمین بخورد خورده
خرده شده) «در غارهای پر از نرگس، ص(41

در شعر فوق واژه» برانگیزان غبار «برگرفته از غزلیات شمس است و بیانگر این مضمون که مولانا تشریح میکند که معشوق از من یک کار خارق العاده می خواهد که از توان من خارج است : چنان که از من خواسته است که از دریا غبار برانگیزان یعنی کاری را که امکان ندارد و خارق العاده است از من می خواهد:

داد جاروبی به دستم آن نگار
گفت کز دریا برانگیزان غبار

باز آن جاروب را ز آتش بسوخت
گفت کز آتش تو جاروبی برآر

کردم از حیرت سجودی پیش او
گفت بی‌ساجد سجودی خوش بیار

و در ادامه اصطلاح» جام لطیف «از خیام گرفته شده است آنجا که در توصیف جام، وجود انسان همچون جام لطیفی است که عقل به زیبایی و لطافت آن اقرار می کند و آن را تحسین می کند اما سازندة این وجود زیبا پس از آن که آن را ساخت آن را به زمین می زند و نابود می سازد خیام در این باره می گوید:

جامی است که عقل آفرین میزندش
صد بوسه ز مهر بر جبین میزندش

این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین میزندش

5.9 خاطره بازی با اندیشمندان بزرگ فرهنگ ایرانی اسلامی

درسروده زیر می بینیم که چگونه باباچاهی از امام محمد غزالی اندیشمند و نویسنده بزرگ نام برده و ضمنا به اندیشه او نیز می پردازد در این فراز شعری، تأثیر کنار گذاشتن گناهان و بویژه از یک بزه اجتماعی یعنی» نمامی «و سخن چینی که آرامش و یک دلی جامعه را به چالش می کشد .و این که توبه باعث رحمت و طراوت برای جامعه است :

»محمدغزالی گفت :فلان از نمامی توبه کرد و
باران آمد
آن وقت گریه به وقت به ناوقت گرفت مرا
چشمه که سر رفت رودخانه طغیان کرد)«در غارهای پر از نرگس، ص(17

5.10 حضور نام پر آوازه جهان و شخصیت های غیر بومی در غارهای پر از نرگس

از ویژگی های سبکی باباچاهی در مجموعه شعر در غارهای پر از نرگس این است که از شخصیت های پر آوازه ی جهانی نیز در شعرش بهره می گیرد به عنوان مثال در شعر زیر کاربرد واژه» میکل آنژ «به عنوان یک شخصیت شناخته شده جهانی در عرصه مجسمه سازی قابل توجه است :

میکل آنژ هم از مجسمه هایش کلافه بود:

دندان دردشان را گفتمان می کنند

و تظاهر به این که سیصد و چهل تکه بودنشان

قصه است)در غارهای پر از نرگس، ص(89

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر نتایج زیر به دست آمد:

الف (علی باباچاهی به عنوان شاعر پست مدرنیسم و پسانیمایی، ویژگی های سبکی که در دیگر آثارش مد نظر داشته در مجموعه شعر»در غارهای پر از نرگس «نیز مواردی همچون نگرش متفاوت به به زیبایی و عدم قطعیت و جزمیت در شعر ، ساختارگریزی، هنجارشکنی و عصیان های زبانی و دیگر خصوصیات سبک پست مدرنیسم ادامه یافته است.

ب (در مجموعه شعر در غارهای پر از نرگس، از طنز و جایگاه آن مورد توجه قرار گرفته است و باباچاهی بر آن است تا با استفاده از عنصر گروتسک و طنز و نیشخند در شعر از جزمیت و قطعیت امور جدی ساخته و نهایتاً از ترسناکی و سهمناکی پدیده های رنج آور برای بشریت بکاهد.

پ (در این پژوهش مشخص گردید که باباچاهی پایبند کانکریت و تجسم در شعر بوده و به دنبال بهره گیری از جلوه های بصری در شعر بوده است و نمونه بسیار ویژه از این نوع شعر را در قطعه شعر فاصله به منصة ظهور رسانده است.

ج (باباچاهی در این مجموعه شعر ارتباط خود را با پیشینه فرهنگ کهن فارسی، همچون ضرب المثل ها و اندیشه شاعران گذشته در ادب فارسی حفظ کرده است از این رو با تکیه بر پدیده »بینامتنیت «در این اثر میتوانیم ردپای ادبیات گذشته را در شعر باباچاهی ببینیم.

د (در این پژوهش مشخص گردید که باباچاهی علی رغم رویکرد نوین و دیگرگونه ای در شعر، تجربه های زیستی خود در جامعه امروز ایران و جهان را نیز در شعر انعکاس داده است برای نمونه انعکاس جنگ در شعر باباچاهی چه در قطعه شعرهای مستقل و چه در ضمن شعرهای دیگر می تواند موضوع قابل توجهی باشد.

منابع و مآخذ

1. **آیزر ,ولفگانگ .1385** .*رویکردی پدیدار شناسانه به فرآیند خواندن* کیوان باجغلی .پنجم و ششم و هفتم ,1385 ,فصل نامه فرهنگی و هنری مهرآوه .p ,سال دوم شماره پنجم و ششم و هفتم.
2. **جعفری هرفته ,الهه ,جعفری قریه علی ,حمید و باقری ,نرگس .1395** .*زبان محوری و نقش آن در نوآوری های شعر سپید و شعر حجم* یزد ,: فصل نامه کاوشنامه .276-297 .pp ,سال هفدهم شماره.33
3. **آلن ,گراهام .1380** .*بینامتنیت* .پیام یزدانجو .تهران : انتشارات مرکز.
4. **باباچاهی ,علی .1346** .*بی تکیه گاهی* .تهران : انتشارات میهن.
5. **باختین ,میخاییل .1373** .*سودای مکالمه، خنده، آزادی،* محمد جعفر پوینده .تهران : انتشارات آرست,
6. **بنت ,اندرو و رویل ,نیکولاس .1388** .*مقدمه ای بر ادبیات و نقد و نظریه* .احمد تمیم داری . تهران : انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی ,
7. **تودوروف ,تزوتان .1377** .*منطق گفت و گویی میخاییل باختین* .داریوش کریمی .تهران : انتشارات مرکز.
8. جو**انبخش ,فرشید .1392** .*ویرانی نرگس ها در غارهای پر از نرگس* تهران ,شهریور و مهر ,سوره اندیشه.71-70 .318 ,
9. **خیام، عمر بن ابراهیم (1371)***رباعیات حکیم عمر خیام*، تهران، انتشارات اساطیر.
10. **دلوز ,ژیل ؛ گتاری ,فلیکس .1392** .*کافکا به سوی یک ادبیات خُرد* .رضا سیروان و نسترن گوران .تهران : انتشارات رخداد نو.
11. **سادات مدنی ,سید عبداله .1384** .*تاریخ شفاهی ایران) 5گفتگو با علی باباچاهی* .(تهران : انتشارات روزنگار.
12. **سعدی ,مصلح بن عبدالله .1376** .*گلستان سعدی پس از مقابله با هفت نسخه خطی و ده نسخه چاپی* [.ed] .نور الله ایزد پرست .تهران : انتشارات دانش.
13. **شفایی ,علی ,1394.پاییز .(**جریان های ناپایدار شعر معاصر .*فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی - بهار ادب*.237-223 ,
14. **کالر ,جاناتان .1389** .*نظریه ادبی* .فرزانه طاهری .تهران : انتشارت مرکز.
15. **لنگرودی ,شمس .1377** .*تاریخ تحلیلی شعر نو* .تهران : انتشارات مرکز.
16. **لوطیج ,محمد .1387** .*کتاب درنگ* .اصفهان : انتشارات مرکز تحقیقات نظری.
17. **لوطیج ,محمد .1393** .*هفتاد گل زرد) علی باباچاهی در وضعیتی دیگر* (تهران : انتشارات سرزمین اهورایی.
18. **ملپاس ,سایمون .1389** .*ژان فرانسوا لیوتار* .قمر الدین بادیردست .تهران : انتشارات نی.,
19. **مولوی ,جلال الدین .1363** .*کلیات شمس تبریزی* . بدیع الزمان فروزانفر .تهران :انتشارات امیرکبیر
20. **هایدگر ,مارتین .1381** .*شعر، زبان و اندیشه رهایی* .عباس منوچهری .تهران : انتشارات مولی.

الاسلوب الادبي لمجموعة الكهوف المليئة بالنرجس الشعرية لعلي بابا جاهي

م. د. بايش جبار زيارة

جامعة بغداد ـ كلية اللغات ـ قسم اللغة الفارسية

خلاصة البحث

ان الادب الفارسي المعاصر في مداه وتوسعه يشمل اساليب وابداعات وابتكارات مختلفة ، وواحدةٌ من ساحات الشعر الفارسي المعاصر الذي كان يستعيد ببطئ مكانته الخاصة منذ ما يقارب نصف قرن هو الشعر ما بعد الحداثة، ويعد علي بابا چاهي واحداً من نخب الشعراء الفرس في ساحة ما بعد الحادثة وما بعد الشعر النيمائي .

ان هذا البحث يسعى من خلال القراءة في مجموعة (الكهوف المليئة بالنرجس) يسعى الى تناول خصائص الاسلوب العام والابداعات الاسلوبية التي أسس لها بابا چاهي في هذا الاثر.

ويظهر هذا البحث – في نهاية الامر – كثيراً من الخصائص الاسلوبية لشعر ما بعد الحداثة لبابا چاهي بشكل ناجح وبصورة اكثر دقة فضلاً عن توفير المعرفة الاوفر في مجال النقد والدراسة والتحليل لاسلوب الكتاب المعرفي لمجموعة (الكهوف المليئة بالنرجس).

الكلمات المفتاحية : ادب الفارسي المعاصر، ما بعد الحداثة، ما بعد الشعر النيمائي ، علي بابا چاهي، الكهوف المليئة بالنرجس

نبذة عن الباحث

الدكتور بايش جبار زيارة / جامعة بغداد كلية اللغات

لدي بحوث منشورة داخل العراق وخارج العراق ضمن اختصاص الادب الفارسي

Email: dr bayish12@gmail.com